حدس شب‌های بی‌خوابی؛ ارائه‌ای برای هوش اشراق‌محور

ابتدا که این مباحثه شروع شد، عرض کردم در علوم طبگی خوب درس نخوانده‌ایم چه برسد به چیزی که درسش را نخوانده‌ایم بخواهیم مباحثه کنیم... ولی خب مثالی که زدم همان هندل زدن ماشین است. کسی که هندل می‌زند لازم نبود رانندگی بلد باشد، بلکه فقط هندل می‌زد که ماشین روشن شود. حالا ما هم به‌عنوان طلبه، برای طلبه‌ها و کسانی که بخواهند کار مفید داشته باشند، چه بسا بتوانیم اینطور نقشی داشته باشیم.

علی ای حال، ابتدا که شروع کردیم، مباحثی به‌صورت متفرق جلو رفت. الآن بعد از نزدیک ۵۰ جلسه، مباحث را در سه مرحله دسته‌بندی کرده‌ایم. من هم تکرار می‌کنم تا بعداً روی این سه مرحله تمرکز شود و مطالبی به آن افزوده شود. راجع به هر کدام می‌توانند مقالاتی نوشته شود.

مرحله اول، تمایزگذاری بین هوش اشراق‌محور و هوش پایه‌محور بود. هوشی که برای نفوس و جان‌های است که از عالم دیگری به این عالم فیزیکی و انسوتی هبوط کرده است، آن هوش، برای آن‌ها است. شواهدی روشن غیر از اثبات علمی هست که قابل ارائه است. کل بشر حتی از دبستان که شروع می‌کنند، طوری ارائه بدهند که همانطوری که چشم سرشان چیزهایی را می‌بیند، چشم عقلشان هم ببیند که این، برای هوش پایه‌محور نیست و نمی‌تواند باشد و این مربوط به انسانیت انسان است. این بخش اول کار بود.

هوشی که الآن از آن بحث می‌کنیم، هوش پایه‌محور و از هوش اشراق‌محور ممتاز است. این چکار می‌کند؟ اینکه ببینیم کارش چیست، مرحل دوم بود. سوم هم این بود که وقتی موضوع را خوب تصور کردیم، ببینیم احکام شرعیه و ادله شرعیه که برای خودش موضوعاتی دارد، در این هوش پایه‌محور کدام یک از این موضوعات و به چه نحوی محقق است. این سه مرحله مباحثه ما به اینجا رسید.

برای مرحله اول نکته‌ای را عرض می‌کنم. بعداً هم هر کدام نکاتی به ذهنتان آمد، بگویید. یکی از چیزهایی که می‌توان گفت هوش اشراق‌محور را از پایه‌محور جدا می‌کند، در فضای علمی و پیشرفت نظریات و کشفیات، اسم آن را حدس‌های شب‌های بی‌خوابی می‌گذارند. کسانی که کار علمی می‌کنند، گاهی بی‌خوابی به سرشان می‌زند و در این بی‌خوابی، برایشان یک چیزهایی پیش می‌آید که شروع فضاهای علمی عجیبی در آینده است. نمی‌دانم در فضای خود علم به این چه می‌گویند؛ ظاهراً یک اصطلاحی داشتند که سال‌های قبل دیده‌ام. همین اندازه در حافظه‌ام هست که شرح حالی آن ژاپنی بود که در فیزیک ذرات بنیادین استارت کار را زد. بعد از اینکه الکترون و پروتون و نوترون در فضای فیزیک آمده بود، او تنظیم ذرات بنیادین را در جدول استاندارد شروع کرد. در شرح حالش گفته بودند شبی که بی‌خوابی به سرش زده بود، در همان بی‌خوابی مطالبی آمده بود. یعنی یک فتح بابی بود که بیش از نیم قرن بیستم را به خودش مشغول کرد. مطالب مفصلی بود.

خب وقتی یک انسانی به این تعبیر، حدسیات شب بی‌خوابی دارد، این از کجا می‌آید؟ آیا از آمار و اطلاعات و زبان و فکرهای پایه‌محور می‌آید؟ واقعاً از آن هوش پایه‌محورِ این شخص متفکر است؟ یا

ن، مواردی داریم که اخذ کردهاند؛ «و الحق أن فاض من القدسي الصور ***وإنما إعداده من الفكر»[1] . یک چیزی شده که اصلاً وقتی ملائکه نگاه میکنند، میبینند برای خودش نیست و از عالم دیگری برای او آمده است. خب این چطور میشود؟ پایهمحور نیست، بلکه اشراقمحور است. جمعآوری شواهد، خیلی خوب است؛ حدسایتی که زده میشود...؛ مثلاً در نظریه اعداد چند حدس خیلی مهم زده شده است. مثلاً حدس فلان شخص برای اعداد اول، و .... در چنین حدسایتی، نقطه اول این حدس از کجا میآید؟

---

[1] شرح المنظومة ت حسن زاده آملي ونويسنده : السبزواري، الملا هادي جلد : ۱ صفحه : ۲۸۳

بازبینی #3
ایجاد شده 7 مه 2026 12:19:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 مه 2026 12:56:47 توسط ... .